

وقفنامه شش دانگ روستای

«هزار جریب»

شهرستان بوبین میاندشت

حمیدرضا میرمحمدی

چکیده: وقفنامه‌ای که در این نوشتار بازخوانی می‌گردد، مربوط به روستای هزار جریب واقع در شهرستان بوبین میاندشت می‌باشد. این شهرستان سابقاً بخشی از شهرستان فریدن بوده که در سال ۱۳۹۲ ه.ش به شهرستان ارتقاء یافته است. لذا هزار جریب مذکور در وقفنامه که مربوط به ناحیه فریدن بوده، اکنون در بوبین میاندشت واقع است. طبق وقفنامه، موقوفه تمامیت شش دانگ این روستا است. امید است انتشار این وقفنامه گامی باشد در جهت گسترش و احیای امر وقف باشد.

کلید واژه‌ها: هزار جریب، بوبین میاندشت، فریدن، میر محمدصادق خوانساری.

هزار جریب^۱

این قوم در اصفهان ماندند^۳. مؤلف «نصف جهان فی تعریف اصفهان»^۴ در بیان نواحی فریدن گوید: ناحیه سوم آن را ناحیه تخماقلو گویند که آن را «کرجنوبت» نیز نامند. و قریب سی قریه و آبادی دارد که چندین دهات خالصه فریدن آنجاست که ارمنی نشین هستند. معروف آنها «زرنه»، «هزار جریب» و «سنگ باران» است^۵. لازم به ذکر است که اولین کلیسای ارامنه فریدن، در هزار جریب بنا گردیده است. این کلیسا که به نام حضرت مریم نامیده می‌شد در سال ۱۶۶۴ میلادی در اواخر سلطنت شاه عباس ثانی بنا گردیده است^۶. میر سید علی جناب در «الاصفهان» گوید: شاه عباس اول صفوی به چند صورت اقدام در آبادی اصفهان می‌کند. اول، ساخت عمارت و ابنیه بسیاری از جمله «چهارباغ» و «هزار جریب» و دوم، کوچانیدن ارامنه به اصفهان بود.

وجه تسمیه هزار جریب

در این خصوص آمده است که «شهرسازان عصر شاه عباس به منظور

روستای هزار جریب از جمله روستاهای شهرستان بویین میاندشت واقع در استان اصفهان می‌باشد. این روستا در طول جغرافیایی ۵۰/۳ و عرض شمالی ۳۳/۶ و ۲۴۲۰ متر ارتفاع از سطح دریا واقع است. هزار جریب در ۱۰ کیلومتری مرکز شهرستان قرار داشته و رودخانه «آغچه» از جنوب آن می‌گذرد^۲. این روستا سابقاً مرکز سکونت ارامنه‌ای بوده است که توسط شاه عباس به این ناحیه کوچانده شده‌اند. در خصوص اسکان ارامنه در ایران مرکزی و اطراف اصفهان به روایتی شاه عباس در اوایل قرن ۱۷ در حدود ۲۵۰ هزار نفر از اتباع ارمنی خود را از موطن آنان در نزدیکی جلفا و ایروان و قارض به نواحی حاصلخیز و کم جمعیت واقع در شمال پایتخت خود (اصفهان) منتقل کرد. بنابر روایتی تعداد ۱۲ هزار نفر از ارامنه در ۵۴ آبادی در منطقه فریدن اسکان داده شده و در این مهاجرت تنها ارامنه کشاورز به فریدن آورده شدند و صنعتگران

توسعه شهر اصفهان به طرف جنوب باغی را در منتهی الیه جنوب چهارباغ احداث کردند که به خاطر وسعتش آن را هزار جریب نامیدند»^۷ توضیح آن که «جریب» واحدی از مساحت است که معادل ده هزار متر مربع یا یک هکتار است. جریب در اصل واحدی برای سنجش حجم غلات بوده و مقدارش در مکان‌های مختلف متفاوت بوده و بعداً به عنوان اندازه وسعت زمین که یک جریب غله از آن برداشت شود به کار رفته است.^۸ به نظر می‌رسد آرامنه ساکن در روستای هزار جریب ابتدا در ناحیه هزار جریب اصفهان سکنی داده شده و سپس به ناحیه فریدن انتقال و در هزار جریب اسکان یافتند. امروزه آرامنه هزار جریب به اصفهان و یا کشور ارمنستان مهاجرت نموده و در این روستا این اقلیت مذهبی ساکن نبوده و از کلیسای تاریخی حضرت مریم تنها آثاری از سنگ بنای آن باقی است.^۹

متن وقفنامه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الواقف على الضمائر
والمطلع على السرائر و الصلوة والسلام
على خير خلقه و اشرف بريته محمد
صاحب المناقب و المفاخر و على اله
الطيبين الطاهرين.

و بعد از روز نخست که قلم مشیت حضرت پروردگار و واقف پنهان و آشکار بحکم آیه امانت خطّ تکلیف و عبادت بر جبین انسان نگاشته و از مواهب و عطایای خود بمفاد آیه مبارک ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^{۱۰} عروس فضل و کرامت نشان و نامزد ایشان ساخته، بهار سعادت هر صنفی از این نوع شریف را بوسیله مزید طراوتی افزود، طائفه را بزبور عبادت اذکار آراسته و فرقه را با نثار اوقاف پیش قدم خواسته و بحکم آیه مبارکه ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ اَمْوَالِهِمْ بِالْاَيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا و عَلَانِيَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ و لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ و لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^{۱۱} و به مضمون آیه بلاغت مشحون ﴿مِثْلَ الَّذِيْنَ يَنْفِقُونَ اَمْوَالِهِمْ فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمِثْلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِى كُلِّ

سُنْبِلُهُ مَائُهُ حَبِّهِ وَ اللَّهُ يُضَاعَفُ لِمَنْ
يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِمْ^{۱۲}

و نظر بمدلول خبر هدایت اثر مروی از امام همام جعفر بن محمد الصادق علیها الصلوة والسلام «خیر ما یخلفه الرجل بعده ثلثه: ولدٌ بار یستغفر له و سنّه خیر یقتدی به فیها و صدقه تجری من بعد» و بمفاد روایه دیگر مروی از آن سرور «تلبیع الرجل بعد موته ثلث خصال صدقه اجرها الله فی حیاه فهی تجری له بعد وفاته و سنته هوی سنّتها فهی یعمل بها بعد موته و ولدٌ صالحٌ یدعوله»

بنوید بیشمار و اضعاف فزون از هزار گرامی داشته من جمله در این اوقات خجسته علامات توفیق رفیق و شامل حال خیریت مال سرکار سعادت آثار سلاله السادات عمدة التجار و زبده الاعیان خیر الحاج حاجی میر محمدصادق^{۱۳} خلف مرحوم جنت مکان حاجی میر ابوالقاسم خوانساری اصل ساکن دارالخلافه طهران گردید. وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد صریح دائمی نمود قربة الی الله و طلباً

لمرضاته در حالیکه جمیع اقراریر و معاملات شرعیه از ایشان مُتَّبَع و ممضی بود عالماً عامداً، عارفاً بالکمیة و کیفیه مختاراً غیر مُکَرِه همگی و تمامی کل شش دانگ قریه «هزار جریب» واقعه در محال فریدن من توابع اصفهان مع کافه توابعه الشرعیه و عامّه منضماتّه العرفیه بحبث لاشذ منهاشیء و در محل خود مستغنی از تحدید و توصیف است، ملکی متصرفی خود را که بموجب یک طغرا فرمان مهرلمعان از جانب دولت علیه ایران واگذار بایشان شده بود بملکیت و بامضاء حضرت مستطاب، اعلم العلماء و العاملین، رئیس الملة والدین حجة الاسلام والمسلمین حاجی میرزا محمدحسن شیرازی^{۱۴} اعلى الله مقامه رسیده بر مصارف تعزیه داری حضرت خامس آل عبا و حضرت رسول و امیر مؤمنان و صدیقه کبری و حضرت مجتبی و ائمه اطهار و اولاد و اصحاب آنجناب صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین و بر سادات معروفه بسادات عسلی ساکنین در قصبه خوانسار که از اقربا واقف معزّی الیه است باین ترتیب

که اولاً یک عشر از کل منافع و مداخل آن بجهته متولی و نیم عشر برای ناظر مقدماً علی تمام المخارج موضوع شود و ثانیاً مخارج آبادی ملک و منال دیوانی مقدم بدارند و ثالثاً آنچه باقی بماند نصف شود و نصف را بمخارج تعزیه داری از قهوه و قلیان و اطعام بحسب متعارف هر زمانی و حق روضه خوانی و غیر در دو ماه محرم و صفر در هر جا متولی صلاح بداند بصواب دید ناظران برساند و نصف دیگر را بسادات معزی الیهم للذکر مثل خط الأنثیین با ملاحظه اقرب الی الواقف تقسیم نمایند و تولیت عین موقوفه مادام الحیوة با واقف خیر موافق و بعد با اکبر اولاد ذکور ایشان است بشرط البلوغ و الرشده و العداله و مع الفقدان با اکبر اولاد اناث ایشان است مع الشروط المذكور و با فقدان با اکبر ذکور از اولاد مرحوم ابوی ایشان است با شروط مذکور نسلاً بعد نسل و با فقدان با ذکور از اولاد اناث آن مرحوم است با شرایط و در صورت فقدان با مجتهد قصبه خوانسار و با فقدان آن با عالم متدین قصبه مزبور است و نظارت

آن با راقم الحروف اقل العباد علماً و عملاً و اکثرهم خطاً و زُلاً محمد بن احمد بن علی بن محمد صائب طاب الله ثراهم است و بعد با مجتهد خوانسار غیر از متولی آن و با فقدان با عالم متدین آنجا است و صیغه وقف جامعه لجمع الشرايط من الصّحه و للزوم جاری گردید و تخلیه ید مالکانه نمود و بعنوان تولیت متصرف گردید فصارت وقفاً صحیحاً شرعياً جازماً لازماً بتا بتلا ما تعاقب اللیل و النهار و ترادف القرون و الاعصار «فمن بدّله بعد ما سمعه {فانما اثمه} علی الذین یبدلونہ و الله واسعٌ علیهم»^{۱۵} و کان ذلک فی یوم الغدیر، الثامن عشر من شهر ذیحجه الحرام من شهر سنه ۱۳۱۳ الثالث عشر و ثلثمانه بعد الالف من الهجره. توضیح آنکه از برای متولی واقف حق التولیه مقرر نشد خروجاً عن شبهه الواقف علی النفس و کان ذلک سیاقهم المتن.

حواشی و قفنامه

السواد مطابق الاصله و هماسیان متناً و هامشاً حرره الاحقر هدايت الله

الحسینی مهر هدايت الله بن ابوالحسن الحسینی

قد اعترف السيد الواقف المزبور بتمام ما زبر فيه في المتن و الهامش لدى في ٩ شهر شعبان المعظم ١٣١٥. محل مهر جناب عمدة العلماء سيد السادات و نخبة الانجاب و الاطياب شريعت ماب آقاي سيد محمد تقی سلمه الله

سواد مطابق با اصل است تحت متن و حاشيه و هامش حررها (مهر خوانده نشد)

و اقر الواقف بتمام ما زبر فيه لدى فذلك كذلك بلاشك و ريب في ٢٠ رجب المرجب ١٣١٥ محل مهر جناب مستطاب عمدة العلماء العظام، شريعت ماب آقاي سيد محمود خوانساری

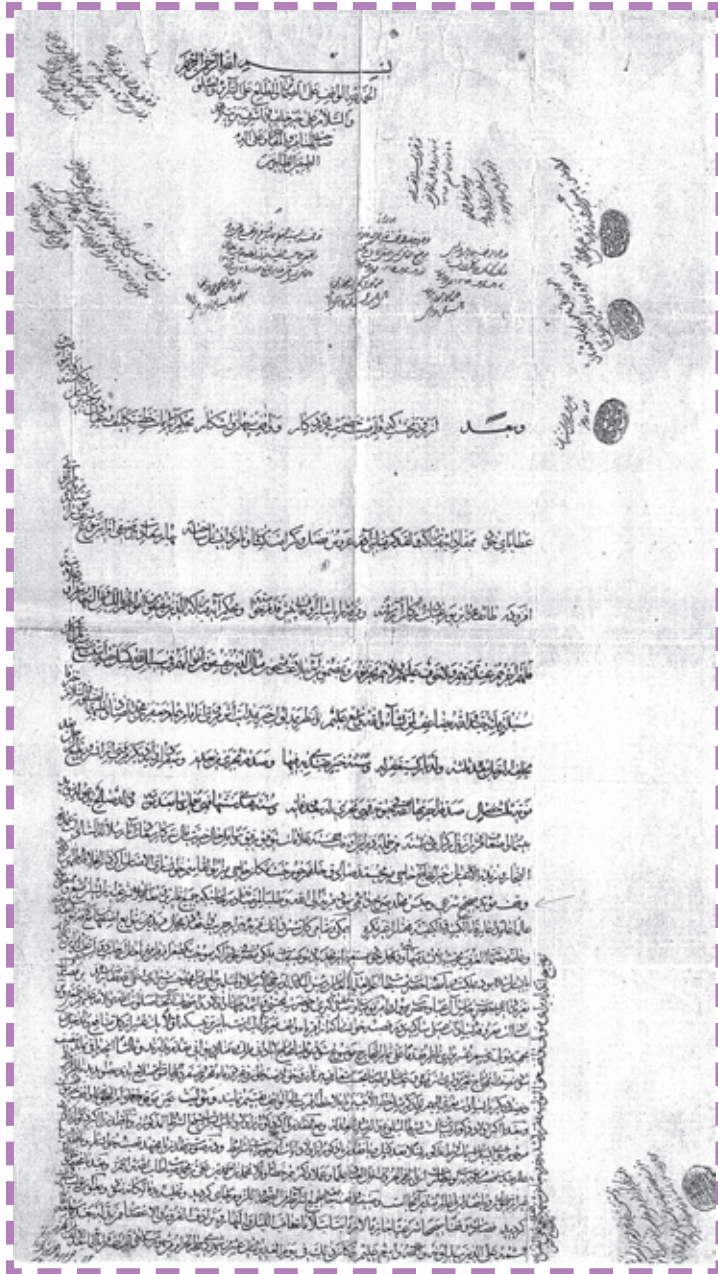
هو الله تعالى، قد اعترف جناب الواقف بتمام ما في اليه في الورقه توضيح الهامش لدى الاقل في رابع عشر شهر رجب المرجب ١٣١٥ محل مهر جناب مستطاب عمدة العلماء الراشدين و سيد الفقها المجتهدين آقاي آقا ميرزا محمود مجتهد خوانساری^{١٦} دام عزّه

هو قد اقر السيد المعظم، بما زبر فيه من الوقف على طبق ما زبر فيه و القبض على حسب الموقفيه و التوليه و النظاره على حسب ناظر في المتن و الهامش لدى اقل خدام الشرع المذكور في ٢٠ ربيع المولود ١٣١٤ محل مهر جناب مستطاب عمدة العلماء و زبدة الفقهاء، شريعت مدار آقاي سيد ريحان الله الكشفي بروجردی ساکن طهران

هو قد وقع الواقف الجامع لجمع الشرايط الصحه و اللزوم للقبض والا قباض على طبق ما زبر فصل من المتن و الهامش في يوم الثامن عشر من شهر حجة الحرام من شهور سنة ١٣١٣ حرره الاحقر فضل الله النور محل مهر جناب مستطاب شريعت مدار علامه فهام آقاي آقا شيخ فضل الله^{١٧} دام افاضاته العاليی

هو الله قد اعترف الواقف المزبور وقف المزبور على حسب ما زبر فيه لدى الاحقر في ٢٦ صفر ١٣١٤ محل مهر حضرت مستطاب اعلم العلماء العاملين و رئيس الملة و الدين حجة الاسلام و المسلمين آقاي حاجي ميرزا محمد حسين آشتيانی^{١٨} دامت

هذا مع اصله المعتبر سیاق متناً وهامش حرره الاحقر مهر ادرکنی یا علی



پی‌نوشت‌ها:

۱. هزار جریب همچین نام روستایی در شهرستان‌های بروجرد، ملایر، سربند و ناحیه‌ای در استان مازندران است.
۲. فرهنگ آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۵۹، ص ۲۷۴.
۳. تاریخ ارامنه فریدن، صص ۳۱۳-۳۱۴.
۴. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۳۳۲.
۵. دیباچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن (پرتیکان باستان)، صص ۱۱۵-۱۱۷.
۶. الاصفهان، ص ۲۲۴.
۷. جغرافیای اصفهان، ص ۳۱۰.
۸. فرهنگ بزرگ گیتاشناسی، ص ۱۱۷.
۹. دیباچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن، ص ۱۱۷.
۱۰. اشاره به آیه ۷۰ سوره اسراء: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»
۱۱. سوره بقره، آیه ۲۷۴: «کسانی که اموال خود را شب و روز و نهان و آشکار، انفاق می‌کنند پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.»
۱۲. سوره بقره آیه ۲۶۱: «مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست.»
۱۳. آقا میر محمدصادق بن حاجی میر ابوالقاسم خوانساری از خوشنویسان خوانسار در اواخر عهد قاجار بوده است که آثار خطی بسیار ارزشمندی از ایشان به یادگار مانده ولی از زندگانی و وفات ایشان اطلاعی در دست نیست.
۱۴. آیت‌الله حاج محمدحسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی و میرزای مجدد، مرجع شیعیان وقت، فقیه امامی، عالم، متولد ۱۲۳۰ در شیراز، تحصیل کرده در اصفهان، نجف و کربلا و متوفی در سامرا و مدفون در نجف اشرف است که مرجعیت شیعیان در زمان حیاتش و پس از وفات شیخ مرتضی انصاری به‌عهده ایشان گذاشته شد. از کارهای بزرگ میرزا در دوران حیاتش، تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار بود. میرزا در سال ۱۳۱۲ هـ.ق در سامرا وفات یافته و در حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف به خاک

مازندران، ساکن تهران و مدفون در قم است که نزد میرزای شیرازی تلمذ نمود و در اوایل مشروطیت با سید عبدالله بهبهانی و سایر مشروطه طلبان هم قدم بود ولی اختلافات میان ایشان جدایی افکند و پس از مدتی شیخ فضل الله مصلوب شد و به شهید مصلوب ملقب گشت و پس از ۱۸ ماه جنازه ایشان مخفیانه به قم منتقل و دفن شد. (تربت پاکان قم، ج ۴، صص ۱۲۶۷-۱۲۷۴)

۱۸. آیت الله محمدحسن آشتیانی، از مجتهدین به نام تهران، متولد در آشتیان و متوفی در تهران است که نزد شیخ مرتضی انصاری تلمذ نمود. از سال ۱۳۰۶ هـ.ق تا هنگام مرگش، مرجع احکام شرعی بود. علت شهرت وی همکاری او با میرزا حسن شیرازی در واقعه رژی (تحریم تنباکو) بود. وی در سال ۱۳۱۱ هـ.ق از راه عراق به مکه رفت و از سوی میرزا حسن شیرازی تجلیل شد و در سال ۱۳۱۹ هـ.ق در تهران درگذشت. جنازه ایشان به نجف منتقل و در مقبره شیخ جعفر شوشتری دفن شد. (فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۴۹۴)

سپرده شد. (فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۴۹۳)

۱۵. سوره بقره، آیه ۱۸۱: «پس هر کس آن (وصیت) را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر گردان کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری خدا شنوای داناست.»

۱۶. آیت الله سید محمود بن عبدالعظیم خوانساری متولد، بزرگ شده و متوفی در خوانسار است. تحصیلات وی در خوانسار، اصفهان و نجف بوده و پس از مراجعت به اصفهان به حلقه درس آیت الله میرزا هاشم چهار سوقی درآمد و از ایشان موفق به کسب اجازه اجتهاد گردید. از وی چندین رساله در فقه و اصول برجای مانده که در مجموعه ۱۱۳۶ کتاب های اهدایی مرحوم محمد مشکات به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. وی در سال ۱۳۱۵ هـ.ق وفات یافته و در قبرستان شرقی خوانسار معروف به قبرستان پشت بازار دفن گردید. ماده تاریخ وفات ایشان را مرحوم آیت الله شیخ رضا نظام الشریعه متخلص به بدیع در ۱۲ بیت سروده که هر بیتش ماده تاریخ وفات ایشان است. (اختران فروزان خوانسار، ص ۹۸)

۱۷. آیت الله شیخ فضل الله بن عباسی نوری، عالم، مجتهد و فقیه متولد در

منابع:

۱. فرهنگ آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران (ج ۵۹)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، گلیایگان، ۱۳۶۹.
۲. تاریخ ارامنه فریدن (به زبان ارمنی)، لئون میناسیان، لبنان بیروت، ۱۹۷۱ م.
۳. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، محمدمهدی بن محمدرضا الاصفهانی، تصحیح: منوچهر ستوده، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۴. دیباچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن (پرتیکان باستان)، حمیدرضا میرمحمدی، انتشارات ارمغان قلم، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۵. الاصفهان، میر سید علی جناب، به اهتمام: عباس نصر، انتشارات گلها، ۱۳۷۱.
۶. جغرافیای اصفهان، سیروس شفقی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱.
۷. عباس جعفری، فرهنگ بزرگ گیتاشناسی اصطلاحات جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۶۶.
۸. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، آذر تفضلی و مهین فضاییلی جوان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۹. اختران فروزان خوانسار، حمیدرضا میرمحمدی، انتشارات ارمغان قلم، ۱۳۷۸.
۱۰. تربت پاکان قم، جلد ۴، عبدالحسین جواهرکلام، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۲.